یک جرعه نور

تو بزرگ‌ترین صفات اخلاقی را داری!

احمد عدالتیان| در ایام ولادت پیامبر اکرم(ص)، یکی از زیباترین و کامل‌ترین تعابیری را که قرآن کریم درباره آن حضرت بیان کرده است، باهم تلاوت می‌کنیم. خداوند متعال در آیه ۴ سوره مبارک قلم می‌فرماید: «**وَإِنَّکَ لَعَلَی خُلُقٍ عَظِیمٍ**؛ حقا که تو بر اخلاق بزرگی استواری!» خُلق به صفاتی گفته می‌شود که با سرشت و خوی انسان عجین شده است و موقتی نیست و یکی از معانی که برای کلمه خلق در این آیه گفته شده، مکارم اخلاق است. خود پیامبر(ص) نیز فرموده‌اند: «من برای کامل کردن مکارم اخلاق، مبعوث شده‌ام.» قرآن کریم درمیان صفات و ویژگی‌های پیامبر(ص)، بر اخلاق آن حضرت تکیه کرده و آن را «خلق عظیم» خوانده است که نشان از اهمیت اخلاق دارد؛ چنان‌که پیامبر اکرم(ص) در جای دیگری می‌فرمایند: «در افراد با ایمان، بخل و بداخلاقی جمع نمی‌شود.» و امام صادق(ع) نیز می‌فرمایند: «اخلاق نیکو، علاقه‌ها را محکم و استوار می‌کند.»

اخلاقی که در پیامبر(ص) بود و قرآن آن را عظیم خوانده، ابعاد زیادی داشته است که چند نمونه از مهم‌ترین آن‌ها را مرور می‌کنیم: پیامبر(ص) هیچ‌وقت به‌خاطر ظلمی که به ایشان می‌شد، درصدد انتقام برنمی‌آمدند مگر آنکه حرام خدا هتک شود؛ هیچ‌وقت شخصی از ایشان چیزی درخواست نکرد که جواب نه بشنود و حاجت حاجتمندان را رد نمی‌کردند؛ با بردگان، هم‌غذا می‌شدند و کنار آن‌ها بر زمین می‌نشستند؛ با فقرا دست می‌دادند و دست خود را نمی‌کشیدند تا شخص، دست خود را بکشد؛ به هرکه می‌رسیدند، چه بزرگ و چه کوچک، سلام می‌کردند؛ کم‌خرج و بخشنده بودند؛ بسیار دل‌نازک و مهربان بودند؛ نمازشان در عین کامل بودن، سبک و خطبه ایشان کوتاه بود؛ هنگام سخن گفتن با مردم، تبسم می‌کردند.

صحیفه

حق‌خواهی یا انتقام؟

علیرضا وکیلی| وقتی کسی به ما ظلم می‌کند، یکی از اولین واکنش‌های طبیعی این است که دلمان می‌خواهد او هم طعم تلخی رفتار خودش را بچشد. گاهی حتی در ذهنمان برایش اتفاق‌های بد تصور می‌کنیم و می‌گوییم: «خدا جوابش را بدهد!» این جمله همیشه از کینه نمی‌آید؛ گاهی از شدت درد و درماندگی است. اما سؤال مهم این است که وقتی مظلوم هستیم، چگونه از خدا کمک بخواهیم که هم حقمان گرفته شود و هم قلبمان، گرفتار نفرت و انتقام نشود؟ دعای چهاردهم در همین نقطه، راهی ظریف و عمیق پیش پای ما می‌گذارد. امام سجاد(ع) در دعای چهاردهم صحیفه سجادیه، دعایی که در هنگام روبه‌رو شدن با ظلم یا مشاهده ستم می‌خواندند، خدا را این‌گونه می‌خوانند: «**یَا مَنْ قَرُبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِینَ، وَیَا مَنْ بَعُدَ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِینَ**: ای خدایی که یاری‌ات به مظلومان نزدیک است و کمک و پشتیبانی‌ات از ستمگران، دور است.» امام، به جای اینکه مظلوم را به انتقام شخصی دعوت کنند، نگاه او را به خدا برمی‌گردانند. یعنی اگر حقی از تو ضایع شده است، خدا را پناه خود قرار بده نه اینکه خشم، فرمان زندگی‌ات را به دست بگیرد. این نکته در زندگی خانوادگی، خیلی مهم است. فرض کنید یکی از نزدیکان، حرفی زده که شما را عمیقا ناراحت کرده است. اگر همان لحظه بگوییم «خدا خودش جوابش را بدهد» و بعد چند روز، تمام رفتارهای او را زیر ذره‌بین ببریم، ناراحتی ما تبدیل به کینه می‌شود. اما اگر همان درد را با خدا درمیان بگذاریم و از او بخواهیم حق را روشن کند و به ما هم توان تصمیم درست بدهد، فضای درونمان تغییر می‌کند. در محیط کار هم ممکن است همکاری عمدا برای ما مشکل درست کند. می‌توانیم موضوع را از مسیر درست پیگیری کنیم، اما لازم نیست برای نابودی شخصیت او برنامه‌ریزی کنیم. حتی در فضای مجازی، اگر کسی به ما توهین کرد، پاسخ دادن با همان ادبیات، شاید لحظه‌ای احساس پیروزی به ما بدهد، اما معمولا آتش اختلاف را بیشتر می‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید: «**وَلَا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ**؛ دشمنی با گروهی، شما را به بی‌عدالتی نکشاند؛ عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر است.» (**مائده، ۸**)

پس حتی وقتی حق با ماست، باز هم باید مراقب باشیم که خشم، ما را از مسیر عدالت خارج نکند. مظلوم می‌تواند از خدا بخواهد که حقش را بگیرد، اما بهتر است اجازه ندهد رنجی که از دیگری دیده است، او را شبیه همان فرد کند. شاید یکی از درس‌های زیبای دعای چهاردهم همین باشد: حق خودت را بخواه، اما آرامشت را به دست ظالم نسپار. عدالت را دنبال کن، اما قلبت را از نفرت پر نکن. گاهی بزرگ‌ترین پیروزی این است که ظلم، حق تو از ظالم گرفته نشود اما شخصیتت را هم از تو نگیرد.

احکام

حکم شرعی وام گرفتن از بانک‌ها

سمانه رضوانی| یکی از مسائل مهم و پرکاربرد در زندگی امروز، دریافت وام از بانک‌ها برای تأمین نیازهایی نظیر خرید مسکن، خودرو یا هزینه‌های ضروری زندگی است. با وجود اینکه نظام بانکی در ایران براساس قوانین اسلامی طراحی شده است، همچنان سؤالاتی درباره حلال یا حرام بودن سود بانکی و شرایط صحت این معاملات وجود دارد. مراجع عظام تقلید در پاسخ به این سؤال که «آیا گرفتن وام بانکی با سود، جایز است یا خیر»، نظرات فقهی ارائه کرده‌اند که در ادامه بیان می‌کنیم.

شهید آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای:

به‌طور کلی معاملات بانکی که بانک‌ها براساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای محترم نگهبان انجام می‌دهند، اشکال ندارد و محکوم به صحت است و سود حاصل از به‌کارگیری سرمایه براساس یکی از عقود صحیح اسلامی، شرعا حلال است. لذا در صورتی که گرفتن پول از بانک برای خرید مسکن و مانند آن تحت عنوان یکی از آن عقود باشد، بدون اشکال است ولی اگر به‌صورت قرض ربوی باشد، هرچند گرفتن آن از نظر حکم تکلیفی حرام است، ولی اصل قرض از نظر حکم وضعی، صحیح است و آن مال، ملک قرض‌گیرنده می‌شود و جایز است در آن و در هر چیزی که با آن می‌خرد، تصرف کند.

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی:

وام گرفتن از بانک‌ها مانعی ندارد. وام‌ها دو نوع‌اند:

۱- وام‌های قرض‌الحسنه که کارمزد آن‌ها نباید بیشتر از ۴ درصد باشد.

۲- وام‌هایی که برطبق یکی از عقود شرعیه (ازقبیل مضاربه، جعاله، وکالت، مشارکت و مانند آن) هستند که چنانچه شرایط آن‌ها رعایت شود، دریافت سود توسط بانک‌ها مانعی ندارد.

البته در هر دو صورت، وام را برای هر کاری می‌گیرند، باید مطابق قرارداد عمل کنند.

آیت‌الله‌العظمی سیستانی:

اگر بانک دولتی باشد و مبلغ را براساس عقد صحیح مانند مضاربه یا فروش اقساطی دریافت کنید، باید به موجب آن ملتزم شوید و چنانچه براساس عقد صحیح نباشد، می‌توانید مبلغ را به نیت مجهول‌المالک بگیرید، سپس با اذن معظم‌له به‌عنوان قرض برای خود بردارید و آن را در همان جهتی که طبق ضوابط وام به شما داده شده، به مصرف برسانید و اگر بانک خصوصی باشد و مبلغ را براساس عقد صحیح مانند مضاربه یا فروش اقساطی دریافت کنید، باید به موجب آن، ملتزم شوید و چنانچه براساس عقد صحیح نباشد، گرفتن وام جایز نیست.

واکاوی اوصاف اهل‌بیت(ع) در زیارت جامعه کبیره

اهل‌بیت(ع)؛ معدن برکت و حکمت

گزارش

حانیه سالم| زیارت جامعه کبیره، یک راه بی‌نظیر برای شناخت کامل و جامع اهل بیت(ع) است. در این مسیر نورانی، هر معرفتی که نصیب جانمان شود، جایگاه ما را در محضر آن بزرگواران ارتقا می‌دهد. آن‌که در معرفت اهل بیت(ع) تا مرتبه «سلمان منّا اهل‌البیت» پیش می‌رود، گوهری کمیاب و گاه نایاب است که در حریم امن ولایت، آرام گرفته و در بندگی و تسلیم دربرابر حق‌تعالی، استوار ایستاده است. وجود چنین کسی، آن‌چنان قیمتی و باارزش می‌شود که خداوند، فرشتگان را برای محافظت از او می‌گمارد تا هر لحظه، او را در حفاظ و نگاه خویش جای دهند.

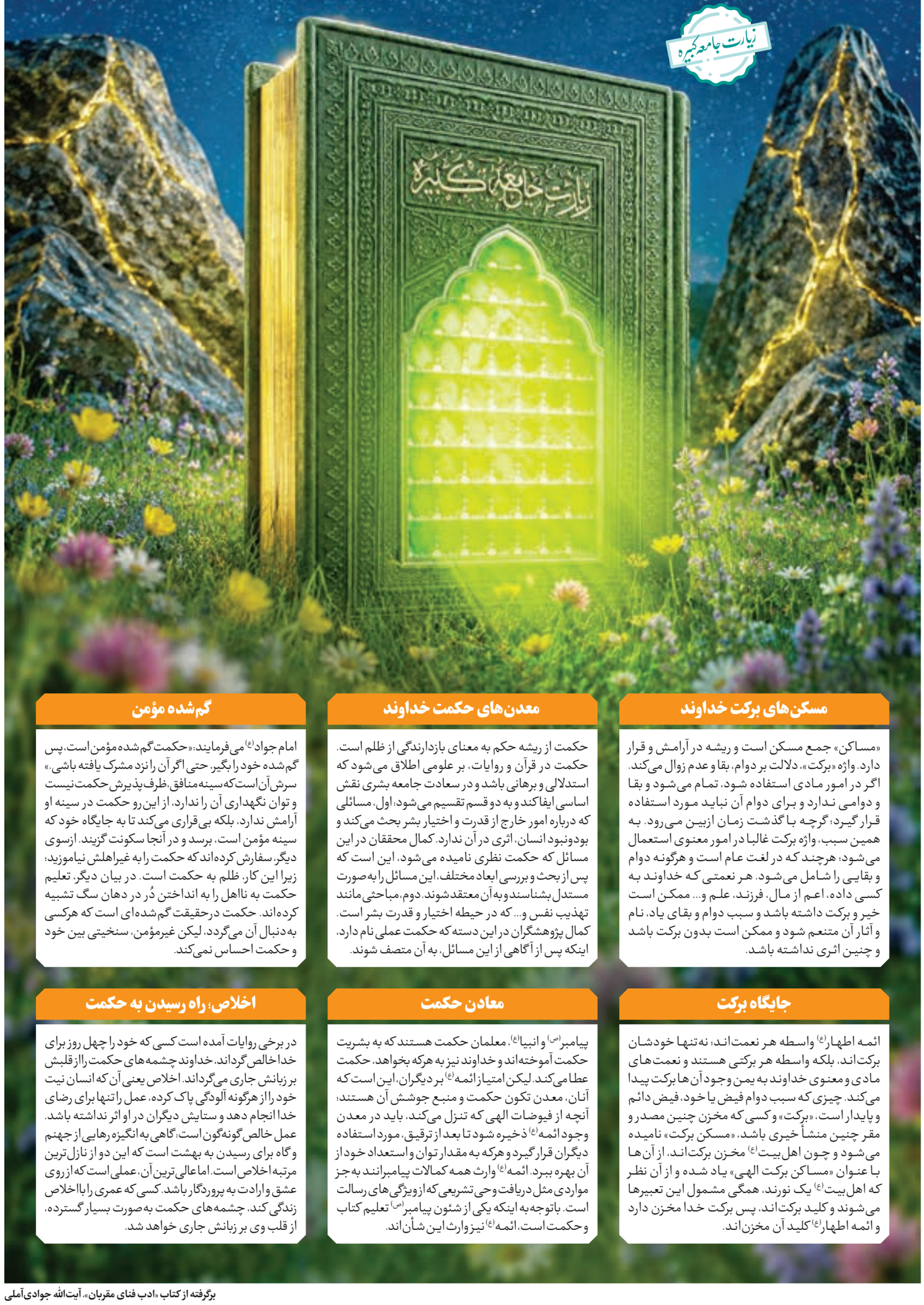

مسکن‌های برکت خداوند

«مساکن» جمع مسکن است و ریشه در آرامش و قرار دارد. واژه «برکت»، دلالت بر دوام، بقا و عدم زوال می‌کند. اگر در امور مادی استفاده شود، تمام می‌شود و بقا و دوامی ندارد و برای دوام آن نباید مورد استفاده قرار گیرد؛ گرچه با گذشت زمان ازبین می‌رود. به همین سبب، واژه برکت غالبا در امور معنوی استعمال می‌شود؛ هرچند که در لغت عام است و هرگونه دوام و بقایی را شامل می‌شود. هر نعمتی که خداوند به کسی داده، اعم از مال، فرزند، علم و... ممکن است خیر و برکت داشته باشد و سبب دوام و بقای یاد، نام و آثار آن متنعم شود و ممکن است بدون برکت باشد و چنین اثری نداشته باشد.

معدن‌های حکمت خداوند

حکمت از ریشه حکم به معنای بازدارندگی از ظلم است. حکمت در قرآن و روایات، بر علومی اطلاق می‌شود که استدلالی و برهانی باشد و در سعادت جامعه بشری نقش اساسی ایفا کند و به دو قسم تقسیم می‌شود: اول، مسائلی که درباره امور خارج از قدرت و اختیار بشر بحث می‌کند و بودونبود انسان، اثری در آن ندارد. کمال محققان در این مسائل که حکمت نظری نامیده می‌شود، این است که پس از بحث و بررسی ابعاد مختلف، این مسائل را به‌صورت مستدل بشناسند و به آن معتقد شوند. دوم، مباحثی مانند تهذیب نفس و... که در حیطه اختیار و قدرت بشر است. کمال پژوهشگران در این دسته که حکمت عملی نام دارد، اینکه پس از آگاهی از این مسائل، به آن متصف شوند.

گم‌شده مؤمن

امام جواد(ع) می‌فرمایند: «حکمت گم‌شده مؤمن است، پس گم‌شده خود را بگیر، حتی اگر آن را نزد مشرک یافته باشی.» سرش آن است که سینه منافق، ظرف پذیرش حکمت نیست و توان نگهداری آن را ندارد، از این‌رو حکمت در سینه او آرامش ندارد، بلکه بی‌قراری می‌کند تا به جایگاه خود که سینه مؤمن است، برسد و در آنجا سکونت گزیند. ازسوی دیگر، سفارش کرده‌اند که حکمت را به غیراهلش نیاموزید؛ زیرا این کار، ظلم به حکمت است. در بیان دیگر، تعلیم حکمت به نااهل را به انداختن دُر در دهان سگ تشبیه کرده‌اند. حکمت درحقیقت گم‌شده‌ای است که هرکسی به‌دنبال آن می‌گردد، لیکن غیرمؤمن، سنخیتی بین خود و حکمت احساس نمی‌کند.

جایگاه برکت

ائمه اطهار(ع) واسطه هر نعمت‌اند؛ نه‌تنها خودشان برکت‌اند، بلکه واسطه هر برکتی هستند و نعمت‌های مادی و معنوی خداوند به یمن وجود آن‌ها برکت پیدا می‌کند. چیزی که سبب دوام فیض یا خود، فیض دائم و پایدار است، «برکت» و کسی که مخزن چنین مصدر و مقر چنین منشأ خیری باشد، «مسکن برکت» نامیده می‌شود و چون اهل‌بیت(ع) مخزن برکت‌اند، از آن‌ها با عنوان «مساکن برکت الهی» یاد شده و از آن نظر که اهل‌بیت(ع) یک نورند، همگی مشمول این تعبیرها می‌شوند و کلید برکت‌اند، پس برکت خدا مخزن دارد و ائمه اطهار(ع) کلید آن مخزن‌اند.

معادن حکمت

پیامبر(ص) و انبیا(ع)، معلمان حکمت هستند که به بشریت حکمت آموخته‌اند و خداوند نیز به هرکه بخواهد، حکمت عطا می‌کند. لیکن امتیاز ائمه(ع) بر دیگران، این است که آنان، معدن تکون حکمت و منبع جوشش آن هستند؛ آنچه از فیوضات الهی که تنزل می‌کند، باید در معدن وجود ائمه(ع) ذخیره شود تا بعد از ترقیق، مورد استفاده دیگران قرار گیرد و هرکه به مقدار توان و استعداد خود از آن بهره ببرد. ائمه(ع) وارث همه کمالات پیامبرانند به جز مواردی مثل دریافت وحی تشریعی که از ویژگی‌های رسالت است. باتوجه به اینکه یکی از شئون پیامبر(ص) تعلیم کتاب و حکمت است، ائمه(ع) نیز وارث این شأن‌اند.

اخلاص؛ راه رسیدن به حکمت

در برخی روایات آمده است کسی که خود را چهل روز برای خدا خالص گرداند، خداوند چشمه‌های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می‌گرداند. اخلاص یعنی آن که انسان نیت خود را از هرگونه آلودگی پاک کرده، عمل را تنها برای رضای خدا انجام دهد و ستایش دیگران در او اثر نداشته باشد. عمل خالص گونه‌گون است؛ گاهی به انگیزه رهایی از جهنم و گاه برای رسیدن به بهشت است که این دو از نازل‌ترین مرتبه اخلاص است. اما عالی‌ترین آن، عملی است که از روی عشق و ارادت به پروردگار باشد. کسی که عمری را با اخلاص زندگی کند، چشمه‌های حکمت به‌صورت بسیار گسترده، از قلب وی بر زبانش جاری خواهد شد.

برگرفته از کتاب «ادب فنای مقربان»، آیت‌الله جوادی آملی

درنگ

۲صفت مؤمن راستین در بیان امام جعفر صادق(ع)

حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدرضا جواهری
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

مؤمن حقیقی کیست؟ پیامبر خدا(ص) و امامان(ع) با رفتار و گفتار خویش، مؤمن حقیقی را معرفی کرده‌اند. ابراهیم جعفری گفته است ابوعبدالله، امام صادق(ع)، فرموده‌اند: «قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلّم: **مَن واسَی الفَقیرَ مِن مالِهِ، وأنصَفَ النّاسَ مِن نَفْسِهِ، فذلک المؤمنُ حقًّا**؛ هرکه فقیر را کمک مالی کند و او را در مال خود شریک سازد و انصاف را از جانب خود نسبت به مردم رعایت کند، مؤمن راستین است.» (**الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۱۴۷* الوافی فیض‌کاشانی، ج ۴، ص ۴۷۴* تفصیل وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی، ج ۱۵، ص ۲۸۴* بحارالانوار علامه‌مجلسی، ج ۷۵، ص ۴۰**). در این حدیث دو ارزش بزرگ اسلامی بیان شده است و شایسته است اهل ایمان و پیروان امام صادق(ع) به این دو صفت آراسته شوند.

کمک مالی به فقیر

در بخش اول این حدیث نبوی و صادقی، یک مسئولیت اقتصادی مؤمن ذکر شده است. در جمله «**مَن واسَی الفَقیرَ مِن مالِهِ**» لزوم مواسات مالی با فقیر یادآوری شده است. مواسات به معنای همراهی کردن و دستگیری و مددکاری و کمک کردن به دیگران و غمخواری و دلسوزی و یاریگری است. مواسات این است که انسان، کمک به برادر مؤمن را وظیفه خود بداند و در همه امور در یاری مؤمن تلاش کند؛ کمک فکری و کمک آبرویی و کمک بدنی و جسمانی و کمک مالی و اقتصادی و کمک علمی و آموزشی.

اما در این حدیث به «مواسات مالی» سفارش شده است. مواسات مالی، مشارکت و سهیم ساختن دیگران در مال و ثروت است. مواسات و تعاون اقتصادی و مالی به فقیر، کار بزرگی است. فقیر به معنای تنگدست، بینوا، محتاج، درویش، کم‌بضاعت، مفلس، نادار، نیازمند و دارای مشکل شدید اقتصادی است. فقیر، نیازمند مالی است که از تأمین هزینه‌ها و مخارج سالیانه خود و خانواده‌اش، ناتوان است. فقیر در وضعیت بد و وخیم اقتصادی قرار دارد.

اگر انسان مؤمن از فقر و نابسامانی اقتصادی مؤمنی باخبر شد، لازم است به مشکل او رسیدگی کند. زکات را باید به فقیر داد اما فراتر از زکات، کمک و یاری اقتصادی تا رفع مشکل مؤمن فقیر نیز لازم است. هرکه مصداق فقیر بود، مواسات مالی او ضرورت دارد و این روحیه و همیاری اقتصادی با فقیر، نشانه مؤمن حقیقی است. هر مسلمانی می‌خواهد مؤمن حقیقی باشد، باید بداند که راه قرار گرفتن در زمره مؤمنان حقیقی، مواسات مالی به فقیران در جامعه است.

رعایت انصاف با مردم

در بخش دوم این حدیث، در جمله «**أَنْصَفَ النّاسَ مِن نَفْسِهِ**»، ویژگی دوم مؤمن حقیقی، آموزش داده شده است. انصاف داشتن در ارتباطات با دیگران در خانواده و اجتماع، از فضیلت‌های اخلاقی بزرگ در دین اسلام است. انصاف به معنای راستی و دادگری و رحم و مروت و عدالت‌ورزی و احسان است. انصاف، رعایت مساوات و برابری در رفتار با مردم و اقرار به حقوق آن‌ها و ادای آن بدون تبعیض است. احادیث بسیاری در فضیلت انصاف و تبیین آثار دنیوی و اخروی آن، وارد شده است.

انصاف یعنی تقسیم عادلانه فرصت‌ها و درک نیاز دیگران. انصاف یعنی آنچه برای خود می‌پسندیم، برای دیگران هم بخواهیم و آنچه برای خود نمی‌پسندیم و نمی‌خواهیم، برای دیگران هم نپسندیم. التزام عملی به رعایت انصاف، سبب می‌شود انسان بتواند به سادگی در هنگام اقدام، تصمیم درست و مناسبی بگیرد و راه خود را بیابد و از شک و تردید در فکر و عمل خارج شود. وقتی انسان در رفتار و گفتار به خودش مراجعه کند و خودش را جای طرف مقابل قرار دهد، با انصاف نسبت به دیگران در جامعه، آرامش برقرار می‌شود و خداوند کاری می‌کند که دیگران نیز با انصاف با او برخورد کنند.

ثمره انصاف انسان با دیگران، انصاف دیگران نسبت به اوست. انصاف در هر شغلی و برای هر صنفی و هر مقامی لازم است. این حدیث امام صادق(ع)، جایگاه عالی و برتر «مواسات» و «انصاف» را در ایمان حقیقی نشان می‌دهد. مواسات و انصاف، کارهایی سخت و دشوارند، از این رو نقش مهمی در رسیدن به درجه مؤمن حقیقی دارند.